

مترجم هفده ساله شد

علیرضا اکبری

۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

بیشتر آدم‌ها معمولاً در هفده - هجده سالگی اوج سرزندگی و جوانی را تجربه می‌کنند. و البته به همان اندازه خامی و کم‌تجربه‌گی هم چاشنی زندگی‌شان است. اما آیا می‌توان یک نشریه فرهنگی هفده ساله را هم جوان دانست؟ برای پاسخ به این پرسش باید مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی فراوانی را در نظر آورد. شاید بهترین پاسخ به این سؤال را علی دهباشی در سخنرانی افتتاحیه اش در هفدهمین سالگرد انتشار مترجم داد: «در زمانی که عمر مفید یک نشریه اگر به پنج سال برسد ستایش و تحسین به همراه دارد. دوست و همکار ما آقای دکتر علی خزاعی فر بار سنگین و طاقت‌فرسای مجله مترجم را بر زمین نگذاشته و به آغاز



هفدهمین سال زندگی اش رسانده است.» روز پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۸۶ علی دهباشی و مجله بخارا میزبان دست‌اندرکاران و علاقمندان مجله مترجم و تعدادی از مترجمین صاحب‌نام کشور بودند. این مراسم تحت عنوان «شب ترجمه» در قالب بیست‌ونهمین شب از «شب‌های بخارا» در تالار ناصری خانه هنرمندان برگزار شد. مراسم «شب ترجمه» از دو بخش تشکیل شده بود که بخش اول به جز حرفهای کوتاه علی دهباشی شامل چهار سخنرانی بود. سخنرانان به ترتیب عبارت بودند از عبدالله کوثری، علی صلح‌جو، علی خزاعی فر و فرزانه فرحزاد. بخش دوم این مراسم میزگردی بود با عنوان «ترجمه ادبی در ایران» که منوچهر بدیعی، حورا یاوری، مجدالدین کیوانی، فرزانه فرحزاد و علی خزاعی فر در آن شرکت داشتند و به سؤالات حاضرین درباره ترجمه ادبی در ایران پاسخ دادند.

علی دهباشی در سخنرانی اش با تأکید بر این‌که در تاریخ یکصدوپنجاه ساله اخیر هیچ‌گاه مسأله ترجمه در همه ابعادش برای ما همچون امروز ضرورت آنی نداشته است، افزود: «در چنین هنگامه‌ای که قافله علم و تمدن جهانی سرعتش با ساعت و دقیقه معین می‌شود اهمیت ترجمه برای فرهنگ ما و مردمی که در این سرزمین زندگی می‌کنند ابعادی حیاتی پیدا می‌کند... در چنین شرایطی انتشار یک نشریه تخصصی که به امر ترجمه بپردازد تحسین‌آمیز است. مجله‌ای که علیرغم تخصصی بودنش برای دوستداران ادبیات در سطوح گوناگون خواندنی و جذاب است و این هنر سردبیر و همکارانش است که موفق شدند مباحث بسیار جدی را میان مخاطبین وسیعتری گسترش بدهند و این نکته یکی از موفقیت‌های مجله مترجم محسوب می‌شود.» او در ادامه یکی دیگر از ویژگیهای مترجم را پرهیز از بحث‌های انتزاعی و پرداختن به مباحثی دانست که در عمل به کار مترجمان می‌آید.

پس از علی دهباشی، عبدالله کوثری سخنران دوم این مراسم، حرفهایش را درباره نخستین روزهای انتشار مترجم اینطور آغاز کرد: «در سال ۱۳۷۰ وقتی آقای خزاعی فر به من پیشنهاد کردند نشریه‌ای ویژه ترجمه منتشر کنیم راستش را بخواهید من باور نمی‌کردم این همه حرف و بحث درباره ترجمه وجود داشته باشد. آخر من هم مثل همه مترجمان هم نسل خودم و نسل قبل از خودم صرفاً از روی علاقه به طرف ترجمه رفته بودم و از نظریه‌های ترجمه و اینجور مباحث اصلاً خبر نداشتم. امروز می‌بینم که این نشریه هفده سال است منتشر می‌شود و ما هنوز خیلی

حرفهای تازه می‌شنویم.» کوثری در ادامه با اشاره به بی‌اعتمادی که در تهران نسبت به کارهای فرهنگی صورت گرفته در شهرستانها وجود دارد به مشکلاتی اشاره کرد که در آغاز انتشار مترجم برای جلب همکاری مترجمان و نویسندگان صاحب‌نام با آن مواجه بوده‌اند. باینحال به عقیده کوثری مترجم از این حیث از اقبال خوبی برخوردار بوده و از همان شماره اول بسیاری از اهل قلم همکاری خوبی را با مترجم آغاز کردند. کسانی چون صالح حسینی، بهاء‌الدین خرمشاهی، زنده‌یاد کریم امامی، علی صلح‌جو، گلی امامی و مجدالدین کیوانی.

کوثری در ادامه یکی از بزرگترین دستاوردهای نهضت ترجمه اخیر در ایران را که از نیمه عهد ناصری شروع شده، پدید آوردن یک زبان جدید برای طرح مقولات فرهنگی دانست، زبانی که می‌توان با آن رمان، داستان کوتاه و نقد ادبی نوشت. او همچنین درباره نقدهایی که در این سالها در مترجم به چاپ رسیده گفت: «من یقین دارم که مترجم سطح نقد ترجمه را بالا برده. ما در این سالها حساسیت زیادی به نقد داشتیم و هر نقدی را چاپ نمی‌کردیم. نقدهایی که منتشر شد کمابیش از نمونه‌های خوب نقد بود و فکر می‌کنم با کمک همین نقدها هم روش نقد کردن بهتر شد و هم ما نقدپذیرتر شدیم.»

سخنران بعدی مراسم علی صلح‌جو بود. صلح‌جو در سخنرانی‌اش بحث جالبی را درباره ویرایش پیش کشید. او در ابتدا ترجمه‌های قابل ویرایش را به دو دسته تقسیم کرد. یک دسته ترجمه‌هایی که ویرایش آنها آسان است و دسته دیگر ترجمه‌هایی که ویرایش آنها بسیار مشکل است. به عقیده صلح‌جو در ویرایش بعضی از متون دسته دوم هرچه ویراستار جلوتر می‌رود متن ترجمه آسانتر و روانتر می‌شود، اما برخلاف آنچه در ابتدا به نظر می‌آید این متن ترجمه نیست که متحول شده بلکه در واقع ویراستار در سیر طولانی خود در متن دچار تحول شده و با نثر مترجم خو گرفته است. به همین دلیل هرچه در متن پیش می‌رود از میزان غیرمتعارف بودن نثر در نظرش کاسته می‌شود و اصلاحات کمتری به متن ترجمه وارد می‌کند و منشاء این مشکل هم چیزی نیست جز اینکه ویراستار و مترجم تصور متفاوتی نسبت به زبان مناسب ترجمه دارند. لازم است در اینجا اشاره کنم که متن کامل سخنرانی علی صلح‌جو در شماره آینده مترجم به چاپ خواهد رسید.

بعد از علی صلح‌جو، علی خزاعی فرسخنرانی کرد. در این سخنرانی فر توضیح داد که

رویکرد مجله مترجم نسبت به نقد ترجمه در این سالها برچه اساسی استوار بوده است. خزاعی فر با اشاره به اینکه از منظرهای مختلفی می‌توان به نقد ترجمه پرداخت تأکید کرد که ما در این سالها در مترجم کوشیده‌ایم از «منظر زبان فارسی» به ترجمه نگاه کنیم و از این دید ترجمه را مورد بررسی قرار دهیم. متن کامل سخنرانی خزاعی فر را هم می‌توانید در همین شماره بخوانید.

سخنران بعدی مراسم فرزانه فرحزاد بود که به بحث درباره نقد ترجمه پرداخت. فرحزاد سخنان خود را این گونه آغاز کرد: «آنچه تاکنون در حوزه نقد ترجمه بطور مستقیم یا تلویحی در مجله مترجم مطرح شده: غالباً، تا آنجاکه به‌خاطر دارم، نقد زیبایی‌شناختی است که به حق در ترجمه ادبیات جایگاه خاص دارد. موضوعی که می‌خواهم امروز در این جا مطرح کنم، نگاهی دیگر به نقد ترجمه است. که شاید در کنار نگاه زیبایی‌شناختی مجله مترجم، بتواند راه تازه‌ای در این زمینه بگشاید. ابتدا باید بین نقد و سنجش کیفیت (ارزشیابی) ترجمه تفاوت قائل شویم. سنجش ترجمه غالباً فاقد چارچوب نظری است و از این‌رو معیار ثابتی ندارد. نقد ممکن است از متن و مقابله شروع شود ولی به آن محدود نمی‌شود. با غلط و درست سروکار ندارد، بلکه بیشتر به این توجه دارد که هر انتخاب واژگانی و نحوی چه تأثیری در خواننده و جامعه یا جوامع مقصد دارد.» فرحزاد سپس به تبیین رابطه میان متن مبدأ و متن مقصد در ترجمه پرداخت و اضافه کرد: «در نقد می‌توان متن پسین (مقصد) را به‌تنهایی، یا در ارتباط با متن پیشین (مبدأ) در نظر گرفت. یعنی نقد را می‌توان هم بدون مقابله و مقایسه این دو متن انجام داد، هم با مقابله و مقایسه. در هر دو صورت تحلیل انتخابهای واژگانی و نحوی مترجم با توجه به شرایط اجتماعی و تاریخی دو جامعه مبدأ و مقصد، اساس نقد است.»

فرحزاد در ادامه صحبت‌هایش با تأکید بر اینکه برای نقد به یک چارچوب نظری نیاز است تا بتواند از بن‌بست قضاوت‌های شخصی و غیرقابل دفاع رها شود، تنها چارچوب مناسب برای نقد را در شرایط کنونی تحلیل انتقادی گفتمان [Critical Discourse Analysis] دانست و در نهایت نتیجه گرفت که نقد ترجمه، در واقع نقد مترجم است و با تأثیر انتخابهای مترجم در جامعه مقصد، و گاه، در جامعه جهانی، سروکار دارد. متن کامل مقاله فرزانه فرحزاد را هم می‌توانید در همین شماره بخوانید.

بعد از سخنرانی دکتر فرحزاد نوبت به پرسش و پاسخ رسید. اولین سؤال که از حورا یاوری

پرسیده شد درباره وضعیت ترجمه ادبیات معاصر ایران را در آمریکا بود. یآوری با اشاره به اینکه آمریکا دیرتر از دیگر کشورهای غربی به ضرورت شناخت آثار تولید شده در کشورهای دیگر رسیده است گفت: «تا چند سال پیش تنها آثاری از هدایت، ساعدی، گلشیری، دانشور و نظایر آنها به انگلیسی ترجمه شده بود، اما امروز نوشته‌های نویسندگانی مثل شهرنوش پارسی‌پور، احمد محمود، به‌آذین، دولت‌آبادی، گلی ترقی، مهشید امیرشاهی، شهریار مندنی‌پور، منیرو روانی‌پور و بسیاری دیگر به انگلیسی برگردانده شده است.»

پس از یآوری، منوچهر بدیعی در پاسخ به این سؤال که: «واحد ترجمه در رمان و شعر چیست، کلمه یا جمله؟» تأکید کرد که از نظر او بدون شک واحد ترجمه در رمان جمله است، منتها جمله با آن تعریفی که در زبان‌شناسی از آن ارائه می‌دهند و در مورد واحد ترجمه در شعر هم گفت که چون به ترجمه شعر اعتقادی ندارد واحدی نیز برای آن قائل نیست. سؤال بعدی که از منوچهر بدیعی پرسیده شد درباره ترجمه اولیس بود و اینکه بالاخره این کتاب مجوز خواهد گرفت یا نه؟ بدیعی در پاسخ به این سؤال با اشاره به مشکلاتی که این اثر برای چاپ در آمریکا و انگلستان با آن روبه‌رو بوده مشکل مربوط به چاپ اولیس در ایران را یک مشکل اجتماعی دانست نه مشکلی مربوط به ممیزی وزارت ارشاد. و در پایان اظهار امیدواری کرد که بشود این کتاب را با حذف یازده صفحه از ۱۱۶۲ صفحه در سال جاری به چاپ رساند و گرنه «ای بسا آرزوها که خاک شد!»

یکی دیگر از سؤالات این جلسه از طرف گلی امامی خطاب به دکتر فرحزاد مطرح شد. سؤال امامی این بود که آموزش ترجمه به چه معناست؟ و مدرس ترجمه چه چیزی را به دانشجویان آموزش می‌دهد و اینکه آیا فارغ‌التحصیلان رشته ترجمه قادر به ترجمه کتاب هستند یا نه. امامی دلیل طرح این سؤال را برخورد با عده‌ای از فارغ‌التحصیلان رشته مترجمی عنوان کرد که فکر می‌کنند چون لیسانس ترجمه دارند مترجم هستند و همه‌شان هم می‌خواهند با کتابهای خیلی مهم کار ترجمه را شروع کنند.

فرحزاد در پاسخ به این سؤال گفت که آنچه دانشجویان رشته مترجمی در دو سال اول می‌آموزند صرفاً آموزش زبان است و دوره لیسانس مترجمی مثل همه دوره‌های کارشناسی دیگر صرفاً یک دوره عمومی است و هیچ‌کس با گذراندن این دوره مترجم نمی‌شود مگر کسی قصد مترجم

شدن داشته باشد این دوره شروع مناسبی برای او خواهد بود. او در ادامه یادآور شد که سؤال خانم امامی بیشتر ناظر به ترجمه ادبی است درحالی که هرروز هزاران صفحه مطلب ترجمه می شوند که هیچ کدام ادبی نیستند و مترجمین این متون هم نیاز به آموزش هایی دارند که به کمک آنها بتوانند چنین متونی را ترجمه کنند و این آموزش ها در دوره کارشناسی مترجمی به دانشجویان ارائه می شود. مجدالدین کیوانی نیز در این جلسه پاسخگوی چند سؤال بود. یکی از سؤالاتی که از کیوانی پرسیده شد این بود که ایشان در مقام مترجم تاچه حد نسبت به اعتبار نویسندگان غربی که آثارشان را در زمینه عرفان و تصوف ایرانی و اسلامی ترجمه کرده، یقین دارد. کیوانی در پاسخ به این سؤال گفت که همه این نویسندگان عمری را صرف مطالعه در عرفان و تصوف کرده اند و اینطور نبوده که با مطالعه سه - چهار کتاب شروع به تألیف در این زمینه کرده باشند. بسیاری از این مؤلفین تحصیلات خود را در مقاطع عالی در ایران گذرانده اند. به عنوان مثال ویلیام چیتیک که همسری ژاپنی دارد در منزل به زبان فارسی با همسرش حرف می زند و زبان مشترکشان فارسی است و هر جا که بی حرمتی به عرفان و تصوف ایرانی بیند نسبت به آن واکنش نشان می دهد. سؤال دیگری که از دکتر کیوانی پرسیده شد این بود که تاچه حد در ترجمه کتابهای عرفانی خودش را مجاز به ایجاد تغییرات و تصحیح کار نویسندگان می دانسته است. کیوانی در پاسخ گفت: «کار مترجم تغییر دادن نیست. وظیفه او اساساً برگرداندن درست مطالب به زبان مقصد است. امانت در ترجمه یعنی این. مترجم حتی کارش نقد و بررسی هم نیست. حال اگر متوجه اشتباهی در متن زبان مبدأ شود، به باور من حق ندارد سرخود آن را تصحیح کند و به گمان خودش نویسنده اصلی را اصلاح و خواننده را به راه راست هدایت کند. دو راه پیش روی مترجم باز است. یکی اینکه اگر امکانش باشد - نویسنده در قید حیات باشد - با او یا با همفکران او تماس بگیرد و اشتباه را با آنان در میان بگذارد. این اصلی است که من در ترجمه های خود از کتب عرفانی و غیر عرفانی رعایت کرده ام. اما راه دوم وقتی اختیار می شود که راه اول کاملاً بر شما بسته باشد. در آن صورت مترجم عین مطلب مورد تردید را باید ترجمه کند و در پانویس توضیح دهد که عبارت متن به این و به آن دلیل نادرست است.» ♦